

انحلال طلبی یا انشعاب راه به جایی نمی‌برد (بخش اول)

امیر جواهری لنگرودی (دبیر اخراجی و تبعیدی دبیرستان‌های لنگرود)

andishe.gbg@hotmail.com



نازک اندیشان‌شان، بی شرم
که مباداشان روز بهی درچشم،
یافتند آخر فسونی را که می‌جستند! ...

سیاوش کسرایی از منظومه بلند آرش

در پی برگزاری مجمع عمومی عادی «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» از تاریخ ۱۷ آذر تا ۱۹ آذر ماه ۱۴۰۳ با حضور ۱۵ تشکل در فضای مجازی و پس از حدود دو سال تأخیر که گزارش آن نیز منتشر شده است. (۱) برخی تشکل‌های معترض به روند انتخابات مجمع شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، با انتشار بیانیه‌ای به تاریخ ۲۰ آذر ۱۴۰۳ مدعی تخلف در برگزاری مجمع عمومی شدند.

این بیانیه‌ی انتقادی نیز عیناً در کانال تلگرامی شورای هماهنگی درج شده است. (۲) و در پی آن با نامه‌ی تعدادی از اعضای کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی (۳) در اعتراض به درج نام این تشکل در بیانیه‌ی اعتراضی مذکور مشخص شد که درج نام کانون‌های انزلی و خراسان رضوی نیز بدون عضویت در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بوده و موجودیت چنین تشکل‌هایی اثبات نشده است. (۴)

شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگی ایران درواکنش به بیانیه‌ی اعتراضی «افراد منتسب به تشکل‌ها» مشئی دموکراتیک و منطقی در پیش گرفت و با

انتشار یادداشت‌هایی توضیحی و افشاگرانه با نام و امضای اعضای شناخته شده‌ی شورا در کانال تلگرام در صدد پاسخگویی و توضیح شبهات برای مخاطبان بر آمد. (۵)

تاریخ لحظاتی را به یاد دارد که در آن اعلان یک خبر و یک عقیده و باور، به سهم خویش، عقده گشای زندگی بیشمارانی شده است. در مقابل برپایی این مجمع عادی در فضای مجازی برای جمعی از فرهنگیان غائب این تجمع، اینجا و آنجا به انتقاد از این شیوه کار و متد بهره‌گیری از شبکه مجازی برای راهبرد نوین حرکت فرهنگیان به انتقاد نشسته‌اند و برخورد انتقادی‌شان را به ستاد عملیاتی خود بدل ساخته‌اند که بدان خواهیم پرداخت.

به دلیل تعلق خاطر به حرفه‌ام یعنی شغل دبیری با وجود ازدست دادن آن به دلیل تنگ نظری مثنی تازه به دوران رسیده‌ی شهرمان از ارباب حجتیه یعنی دزدان انقلاب، در فردای آبان ۱۳۵۸ به جرم باور و عقیده‌ام، بیکار و در ادامه‌ی تعقیب و گریزهای دهه‌ی شصت، مجبور به تبعید شدم و عمدتاً به لحاظ علاقه مندی‌ام به این حرفه‌ی شریف، همواره طی این سال‌ها، دغدغه‌ی جنبش معلمان ایران را داشته و آنرا در حد فهمم به اشکال گوناگونی منجمله در «روزشمارهای کارگری» (۶) پیگیری کرده‌ام و فرازو فرودهای آنان را مد نظر داشته و دارم....

با توجه به تهاجمات گسترده به جامعه شریف فرهنگیان در بازه زمانی سه ساله خاصه سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ سازمانگران شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، هیچ راهی برای برگزاری مجمع عمومی، جز بهره‌گیری از ابزار شبکه‌های مجازی اینترنتی و تدارک نشست عادی نداشتند. اینکه تدارک کافی نشده، برای عده‌ای بهره‌گیری از "شبکه میت (Meet)" در اساس بیگانه به نظر می‌رسیده و یا ده‌ها سبب و علت دیگر... می‌تواند دلیل انتقاد یا بهانه‌ها برای غیبت باشد، اما نمی‌تواند اساس کار را زیر سوال ببرد؛ چرا که در این شرایط حساس از تاریخ کشورمان در برابر نیروی میلیونی فرهنگیان و بازنشستگان فرهنگی، راهی غیر از این‌گزینه نبوده است.

البته خواهیم دید که منتقدان چه راهکاری ارائه و پیاده کردند. از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ یعنی دو ماه پیش از بیستم آذر که تاریخ انتشار بیانیه‌ی منتقدان است، کانال تلگرامی با عنوان «کانال تشکل‌های صنفی معلمان ایران» راه اندازی شده بود که نخستین پست موجود در آن (که در واقع نهمین پست منتشر شده است و پست‌های قبلی آن پاک شده است) ۲۰ آذر (مطابق با تاریخ انتشار بیانیه مدعی تخلف در شورای هماهنگی) با عنوان "سخنی با همکاران فرهنگی، اهالی رسانه، صاحبان گروه‌ها و کانالهای خبری." با امضای «از طرف تشکل‌های قانون مدار عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی

فرهنگیان ایران» اقدام به انتشار «بیانیه محکومیت تخلفات از اساس نامه شورای هماهنگی» کرده است (۷) بعبارتی گروهی که اکثریت را ناقض اساسنامه می‌داند خودش با دزدی لوگوی شماره هماهنگی و آیدی ارتباط با شورا، عملاً مرتکب دروغ و شانتاژ شده‌اند. بعد هم بلافاصله اقدام به انتشار پاسخ خصوصی ادمین کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران نموده که نه تنها برخوردی درست و طبق اصول با ایشان داشته، بلکه انتشار آن گفت‌وگوی خصوصی خود اقدامی امنیتی، غیرتشکیلاتی و مخرب نظم و اصول صنفی محسوب می‌شود.

چنین است که امروزه روز، «انتقاد» به‌واقع اسم رمزسطحی از جداسری و نوعی انحلال طلبی اعلام نشده است.

خواهم نوشت: چرا و چگونه؟

جامعه ما و خاصه مدارس سراسر کشور در جنبش عظیم «زن، زندگی، آزادی» و بازه زمانی دو شهریور ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ دستخوش تهاجم افسار گسیخته‌ی نیروهای سرکوب به هستی دانش آموزان شد. فاجعه‌ی مسموم سازی دختران دانش آموز ایران، حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و تهاجم شبانه به خوابگاه‌های دختران دانشجو، حضور نیروهای امنیتی، تفتیش، ضرب و شتم دانش‌آموزان و حتی تیراندازی و قتل دانش‌آموزان کشور، در مرحله اول خود دانش‌آموزان دبیرستان‌ها، بخشی از اولیاء آنان و معلم‌ها، دبیران و فعالان صنفی شورای هماهنگی فرهنگیان را با مشکلات عدیده‌ای رو به رو ساخته و همه‌ی راه‌های سیاست‌گذاری را برای دست اندرکاران تشکل‌های فرهنگی و سازماندهی نشست‌ها ناممکن شد. این وضعیت وحشتناک و نا امن در کل جامعه از زبان محمدحسن آصفری، عضو کمیته حقیقت یاب مجلس ایران که گفته: «هنوز دستگاه‌های امنیتی نتوانستند سرخ‌های اصلی مسمومیت‌ها را به دست آورند» این گونه تصویر می‌گردد: «... این‌که فقط بگوییم عامل مسمومیت بادکنک‌های اسباب بازی بودار بوده قابل قبول هیات نیست...» (۸)

در چنین شرایط سرکوب عریان حداکثری دستگاه‌های امنیتی و آتش به اختیاران نظام، و در حالی که معلمان بسیاری در زندانند و دانش‌آموزانی به دلیل انتقاد سیاسی زندانی و بازجویی و شکنجه شده‌اند، یکی از منتقدان امروزی که خود زمانی به دلیل فعالیت صنفی بازداشت شده است و حالا سرسلسله‌ی انحلال طلبان گشته، مجلس یادبود یک معلم درگذشته را در تبریز بهانه‌ی همه‌ی خود کرده، آن مجلس یادبود را "همایش" می‌خواند و بی هیچ شرم حضوری در برابر فرهنگیان، به دفاع از نیروهای امنیتی می‌پردازد و رسماً می‌نویسد: «هیچ مسئله ضدامنیتی هم ندیدیم!» (۹) این فعال صنفی و زندانی سیاسی سابق فراموش کرده چطور برای خود ایشان که هیچ مسئله ضدامنیتی هم نداشت، پرونده سازی

امنیتی کردند و... خوشبینانه اگر این جریان به اصطلاح منتقد و انحلال طلبان گوش به فرمان نیروهای امنیتی نباشند، در خدمت آن‌ها عمل می‌کنند.

علاوه بر یادداشت‌های افشاگر و پاسخ مستدل آقایان **جعفر ابراهیمی** و **محمود بهشتی لنگرودی** (۱۰) که به آن اشاره شد، پیام تبریک و حمایت دو معلم زندانی، آقایان **محمد حسن پوره** و **محمد حبیبی**، از بند چهار زندان اوین به مناسبت برگزاری مجمع عمومی، در این‌که "انحلال طلبی" یگانه حربه‌ای است که به اصطلاح انتقاد کنندگان اینجا و آنجا برگزیده‌اند تا "فرهنگیان کشور" یا همان «کانون‌های صنفی معلمان ایران» و «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» را به جان هم اندازند، اشتراک نظر دارند.

در کنار این‌ها باید مضمون یادداشت اخیر آقای **رسول بدافی**، معلم زندانی که در پاسخ به ایرادها نوشته شده (۱۱) به موازات گفت‌وگوی آقای **اسماعیل عبدی** به مناسبت ۲۴ ژانویه روز جهانی آموزشی (۱۲) را هم در نظر داشت که جهت‌گیری و سیاست‌های صنفی فرهنگیان ایران را در پاسخ به انحلال طلب‌ها به نوعی تبیین می‌کند.

مخالفان با تشکل‌پذیری و حفظ استقلال رأی و نظر فرهنگیان، مخالف همگرایی، همبستگی، اتحاد عمل پایدار فرهنگیان و بازنشستگان فرهنگی هستند. با بررسی کانال موازی که انحلال طلب‌ها با سرقت نام "تشکل‌های فرهنگی" برای خود ساخته‌اند، می‌بینیم که ده‌ها بیانیه و مطلبی منتشر کرده‌اند که عملاً گرای امنیتی به حکومت برای تداوم سرکوب فعالین صنفی مستقل و شریف شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران است. با این سطح انتقادات باسماه‌ای که تمامش با کمترین مشارکت قابل حل است، اینان با پیچیده کردن ادعاهای خویش در صدد با عجله و داوری شتابزده خویش، پیکره‌ی موجودیت مستقل زنان معلم و مجموعه‌ی جنبش مطالباتی فرهنگیان جامعه ما که طی سال‌ها از سطح «کانون‌های صنفی معلمان» تا «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران»، شکل گرفته و قوام یافته به موازات سرکوب سخت امنیتی حکومت که فعالان صنفی را بازداشت و زندانی می‌کند، با بی اعتبار ساختن فعالین صنفی و شورای هماهنگی، به زعم خود، ضعیف و ناکارآمد کنند. این جماعت در برابر انتقادهای ساده نگران‌هی خویش، نوعی عافیت طلبی فرصت طلبانه را هم پیشه خویش ساخته‌اند. «کانال جدید» ایجاد کرده‌اند، به طوری که هم اینان در انجام این کار و درگزینش مسیر راه، جدا سری و وام خواهی از جنبش پر قدرت معلمان کشور را که هزینه‌های بس سختی را تاکنون در برابر دفاع از شرف، منش و هستی جامعه فرهنگیان کشور پرداخته، طلب می‌کنند.

زنده یاد **محمد مختاری** در حق اینان می‌سراید: «پیشانی از هجوم وقاحت کبود می‌شود...»

در جنبش آزادیخواهی و مطالباتی، ما پیشتر چنین هنگامه‌ای را در تشکل‌های مستقل دیگر مانند: «کانون نویسندگان ایران» (۱۳)، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» (۱۴) و قضایای رضا رخشان و تشکل سازی زرد برای «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه» (۱۵) دیده بودیم. تلاش برای ایجاد تشکل زرد و وابسته به حکومت تحت نظر نهادهای امنیتی توسط برخی فعالین سابق تشکل‌ها و تلاش برای بی اعتبار ساختن آن‌ها از طریق انتشار اخبار کذب و اتهامات بی پایه مسبوق به سابقه است. یگانه و خواست این سندیکا سازی‌های زرد فرمایشی، حربه‌های افشاء شده وزیر کار اسبق **علی ربیعی**، با نام مستعار «عباد» شکنجه گرسابق، در دوران وزارت و صدارت خویش به‌عنوان بازوی امنیتی و دستگاه خفیه دولت یعنی شورای اسلامی کار و خانه‌ی کارگری‌ها در تمام این سال‌ها بوده است. طراحان این شاهکار اخیر در دوره‌ی ریاست **مسعود پزشکیان** با ادعاها و شمایل جدیدی، می‌خواهند خود را جایگزین آنانی کنند که سال‌ها زندان کشیدند، هزینه پرداختند، بیکار شده و به تبعید رانده شدند.

امروز همه‌ی جنبش مطالباتی- طبقاتی و صنفی و اجتماعی کشور اعم از زنان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، لایه‌های مختلف کارگران، بازنشستگان، فعالان فرهنگی، توان خواهان و... با ممارست و پیگیری دشوار در شرایط بحران اقتصادی و فقر فراگیر مطالبات خود را کف خیابان فریاد می‌کشند و برای دستیابی به آن سازماندهی و برنامه ریزی و اقدام می‌کنند، بر هم زدن تجربه‌ی مبارزاتی و به بهانه‌ی دستیابی بی نوبت به مطالبات بی واسطه و فوری، بُوی پوسیدگی و تحقیر نوع عقده گشایی و هل من مبارز طلبی می‌دهد. برابر انحلال طلب‌هایی که رخت چرکشان را بر دیوار حاشا انداخته‌اند تا باد آنرا هرکجا که خواست ببرد، باید این پرسش را قرار داد: در اساس چه کس و کسانی، در این شرایط سخت مبارزه از "جدا سری"، "انحلال طلبی" یا "انشعاب" و "انفصال" در بین فرهنگیان کشور سود می‌برند؟

پاسخ به این مهم را در بخش دوم خواهیم نوشت...

پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ برابر با ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵

منابع:

(۱) برگزاری مجمع عمومی عادی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران - گزارش مجمع مجازی شورا - آذر ۱۴۰۳

<https://t.me/kashowra/20241>

(۲) اعتراض برخی تشکل‌های معترض به روند انتخابات مجمع شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

<https://t.me/kashowra/20275>

(۳) نامه‌ی تعدادی از اعضای کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی

<https://t.me/kashowra/20276>

۴) درج نام کانون‌های انزلی و خراسان رضوی در نامه‌ی اعتراضی بدون عضویت در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

<https://t.me/kashowra/20277>

۵) رجوع شود به یادداشت‌های «جعفر ابراهیمی» بازرس پیشین شورای هماهنگی

- 1- <https://t.me/kashowra/20285>
- 2- <https://t.me/kashowra/20286>
- 3- <https://t.me/kashowra/20288>

و اطلاعیه کانون صنفی معلمان تهران پیرامون مسائل مطرح شده بعد از مجمع عمومی مجازی شورای هماهنگی

<https://t.me/KSMtehran/19498>

۶) آرشیو سایت روز شمار جنبش کارگری ایران ، امیرجواهری لنگرودی

<https://www.karegari.com>

۷) سخنی با همکاران فرهنگی ، اهالی رسانه ، صاحبان گروه ها و کانالهای خبری. کانال تشکل های صنفی معلمان ایران

<https://t.me/ktsmi/9>

۸) آصفری: هنوز عوامل اصلی مسمومیت دانش آموزان دستگیر نشده‌اند – ایسنا ۲۳ اسفند ۱۴۰۱

<https://isna.ir/xdNxKy>

۹) گفتنی و شنفتنی – کانال تلگرام محمدرضا رمضانزاده

https://t.me/goft_o_sheno_Ramazazade/24

۱۰) هیاهو برای هیچ - محمود بهشتی لنگرودی

<https://t.me/kashowra/20272>

۱۱) پاسخی به ۷ ایراد بر شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

<https://is.qd/R5ofau>

۱۲) صدای آلمان - آموزش در ایران؛ گرفتار ایدئولوژی حکومت و بحران عدالت و برابری – گفتوگو با اسماعیل عبدی

https://www.dw.com/fa-ir/a-71379887?maca=per-rss-per_politik-4076-xml-mrss

۱۳) «اندیشه‌ی آزاد» - شماره ۴ - فصل‌نامه‌ی کانون نویسندگان ایران – ویژه مباحث نظری

<https://docdro.id/L8IIvk4>

۱۴) سندیکای مستقل، وزارت کار، سندیکا سازی دولتی و... «چه باید کرد»؟ - اسماعیل بخشی

<https://t.me/vahedsyndica/2357>

۱۵) سندیکای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه - رسوایی سندیکا سازان دولتی

https://t.me/syndica_7tape/934